

درهای گالری‌ها باز است؟



این روزها اختلال در دسترسی به اینترنت و در ادامه فیلتر شبکه‌های مجازی خارجی به‌ویژه اینستاگرام، اطلاع از برنامه‌های گالری‌ها را با دشواری همراه کرده است. بر این اساس خبرنگار ایستاد تماسی تلفنی با مدیر چند گالری در شهر تهران، روند برگزاری و افتتاح نمایشگاه‌ها در روزهای پایانی هفته را جویا شده است.

بر اساس گفت‌وگو با مدیر چند گالری در شهر تهران، مطلع شدیم که با وجود تعطیلی برخی مراکز فرهنگی هنری در ساعات منتهی به شب، اغلب گالری‌ها این روزها باز هستند و البته برخی هم ادامه فعالیت را به فضای مناسب تر موقوف کرده اند. اندک کیده درودی، مدیر گالری «او» در گفت‌وگویی با ایستاد با اعلام باز بودن این گالری اعلام کرد که فعالیت نمایشگاه جدیدی ندارد. گالری شیرین نیز این روزها با نمایشگاهی که در تاریخ ۱۸ شهریور ماه با عنوان «چاپ شده» افتتاح کرده بود، میزبان علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی است. لیلی گلستان، مدیر گالری گلستان نیز در گفت‌وگویی با اشاره به شرایط فعلی بیان کرد که این گالری تا ایجاد فضای مناسب تر، تعطیل است. همچنین گالری هم‌کار هم مرحله اول دلوری «منتخب نسل نو» را به پایان رسانده بود، به گفته‌ی هنگامه معموری، مدیر این مکان فرهنگی و هنری تا اطلاع ثانوی بسته خواهد بود. با نگاهی به سایت «گالری اینفو» که معمولاً اخبار مربوط به گالری‌ها را منتشر می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر گالری‌ها میزبان نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی هستند که رو به اتمام است و با آغاز فصل پاییز باید دید دیوارهای گالری‌ها چه اثری را انتظار خواهند کشید.

کنسرت «مجید انتظامی» لغو شد



رویداد موسیقایی «همراه با خاطر‌ها» که قرار بود به رهبری مجید انتظامی در دهه اول مهر ماه و به مناسبت هفته دفاع مقدس از امشب - ششم مهر - تا ۱۰ مهر به روی صحنه برود، بنا بر آنچه که سایت بلیت فروشی این کنسرت اعلام کرده است، به تاریخ‌های دیگری موکول شد.

ظهور امروز - چهارشنبه - در پی پیگیری خبرنگار ایستاد، یکی از افراد مستقر در روابط عمومی بنیاد رودکی، در پاسخ به پرسشی درباره‌ی احتمال لغو اجرای مجید انتظامی، اعلام کرد که به احتمال زیاد این کنسرت به تاریخ دیگری موکول شود ولی هنوز این امر قطعی نشده است. همچنین در تماس دیگر ایستاد با روابط عمومی بنیاد فرهنگی و هنری رودکی، درباره‌ی احتمال برگزاری نشدن رویداد موسیقایی «همراه با خاطر‌ها» به رهبری مجید انتظامی، پاسخ دادند که «فعلاً قرار است مطابق برنامه پیش بروند و معلوم نیست که اجرا لغو شود یا خیر ولی اگر بنا بر لغو اجرا باشد، به‌زودی اعلام خواهند کرد.» حالا سایت ایران کنسرت در قسمت بلیت فروشی کنسرت «همراه با خاطر‌ها» اعلام کرده است که این اجرا به تاریخ‌های دیگری موکول شده است، ولی درباره‌ی اینکه دقیقاً این کنسرت چه زمانی به روی صحنه می‌رود هنوز خبری داده نشده است. لغو برگزاری این رویداد موسیقایی که کلیه بلیت‌های آن به فروش رفته است، درست ساعاتی پیش از برگزاری، صورت گرفته است. البته در قسمت بلیت فروشی این سایت، بلیت‌های اجرای دیگری از دونوای تار و عود برای هشتم مهر ماه به فروش می‌رسد که هنوز خبری درباره‌ی لغو این کنسرت داده نشده است. قرار بود که اجرای «همراه با خاطر‌ها» با همراهی گروه کر بنیاد رودکی به رهبری رازمیک اوحنیان و ارکستر ملی ایران با اجرای خاطر انگیز نیز آثارن مجید انتظامی به روی صحنه برود.

مواضع اجتماعی اخیر اهالی فرهنگ و هنر چه تبعاتی دارد؟

«مهسا» و اصطکاک جدید هنرمندان با نهادهای تصمیم‌گیر

احتمالاً، انگار هزار سال پیش بود که رامبد جوان از کلیپ چاوشی رونمایی کرد و حالا همان رامبد کاملاً سکوت کرده و هیچ موضعی حتی در محکومیت وقایع اخیر نداشت. زانبار و سیروان هم واکنش‌های چندمرحله‌ای و زیادی داشتند که باید دید در ادامه مسیر کارنامه کاری آن‌ها تحت تاثیر قرار می‌دهد یا خیر، مثل احسان خواجه‌امیری و یا حتی ماکان بندو به‌طور خاص امیر مقاره.

در هر صورت، خیلی‌ها را نشد در این بخش از یادداشت بیابوریم، انقدر تعداد واکنش‌ها زیاد بوده که نمی‌شود در یک یادداشت جایش داد. روزهای آتی آستان حوادث زیادی خواهد بود. از این جهت که نهادهای تصمیم‌گیرنده و هنرمندانی که اظهار نظر کرده‌اند در نسبتی با هم قرار می‌گیرند که بسیار تازه و غیر قابل پیش‌بینی است.

محکومیت و توصیه به خروج از صف «جریانات ضدملی»

سوی دیگر ماجرا اما، جمعی دیگر از اعضای خانواده سینما هستند که با صدور بیانیتهای ضمن محکوم کردن به گفته خود «غتشناشات» اخیر، از سلبیتهای خود استناد صاف خود را از «جریانات ضدملی» جدا کنند.

در بخشی از بیانیتهای این گروه آمده است: «ما اهالی سینما با محکوم کردن اغتشاشات اخیر، به سینماگران و هنرمندانی که بدون تحلیل و شناخت با همراهی با این تحولات مشغول به فضای مجازی آمده‌اند و با بیانیتهای اظهاراتی منفعلانه در راستای اهداف دشمن عمل می‌کنند هشدار می‌دهیم صاف خود را از این جریانات مخرب ضدملی جدا کنند.»

در ادامه بیانیتهای خوانیم: «عجیب است سلبیتهایی که در پناه حمایت‌ها و بودجه‌های دولتی به شهرت و فرصت کار هنری دست یافته‌اند باز بچه‌دست سیاست‌های دشمنانی می‌شوند که امروز علیه ملت و ایران عزیز در فضای رسانه‌ای و مجازی تمام قد به مقابله برخاسته‌اند که بعضاً از سوی سفارتخانه‌های آنان نیز مدیریت می‌شود.» اعضا کنندگان بیانیتهای که در میان آنها اسامی رضا ستگار، جمال شورجه، عظیم‌محمدی، جواد شمقدری و... دیده می‌شود، در پایان ضمن ابراز همدردی با خانواده مهسا امینی از نیروی انتظامی به عنوان «هموران آسایش و امنیت جامعه»، حمایت کرده‌اند.



متن واگرا و کنشی هم بوده، آن قدر کافی نبوده که مخاطب را از واکنش برخی هم بودند که بر خلاف نوبت و پیمان در همان لحظات اولیه، اظهار نظر کردند نظیر: مسعود کیمیایی که از اصطلاحی خاص گفت، اصطلاحی که خیلی هم استفاده شد، یا کیهان کلهر که در چند نوبت اظهار نظر کرد. بر خلاف همایون شجریان که در ابتدا جنس واکنشش سروصدا کرد و بعد سعی داشت واکنش اولیه را ترمیم کند، به گمان خودش البته. در این میان برخی هم مثل هومن سیدی آمدند کاری کنند که کاش نمی‌کردند، او با خط کشیدن روی تصویر بی‌روحانه، نوشت که این ننگی برایش بوده که با روحانی در یک قالب است. برخی منتقدان اما این واکنش را منفعطل طلبانه قلمداد کردند و گفتند که سیدی می‌خواهد هم شناس آنراکن فیلمش در دولت رئیس را از دست ندهد و هم چهره منتقدان خودش به نمایش بگذارد.

در میان موزسین‌ها تکلیف پراچی که خب خیلی پیشتر مشخص بوده و چاوشی اما چیزی متفاوت از گذشته‌اش بود و رسماً خود را از فضای رسمی موسیقی در ایران خارج کرد، یعنی حتی دیگر نمی‌شود مثلاً صدای او را در خندوانه شنید

روزهای آتی آستان حوادث زیادی خواهد بود، از این جهت که نهادهای تصمیم‌گیرنده و هنرمندانی که نسبت به اعتراضات اخیر اظهار نظر کرده‌اند در نسبتی با هم قرار می‌گیرند که بسیار تازه و غیر قابل پیش‌بینی است

اصلی شهرتش همین متفاوت حرف زدند بود و البته اکت تماماً خاصش بعدتر حتی کسانی مثل نوید محمدزاده بخش‌های از جنس بازی او را کپی برداری کردند و اتفاقاً همین نوید محمدزاده هم در روزهای اخیر ماجراهای عجیبی داشت، از عوض کردن متن بیوی اینستاگرامش که تاکید بر هویتش بود تا اظهار نظر دیر هنگامش که به ذائقه دسته‌های از مخاطبان خوش نیامد، مثل پژمان جمشیدی که در وارد شدنش با ما متن بلندبالایی که نوشت تا حدی فشارها را از روی خودش کم کرد. از میان کمدهای پرفروش سینما هیچ واکنشی از جواد عزتی دیده نشده، حداقل تا لحظه نگارش این

نیست و بعدتر تحلیل‌گری از فضای سیاست با کنایه مدیری را «بره‌های» خواند و بعد وقتی که خبر خروج از کشورش آمد فضا را دیکال تر هم شد. مدیری سال‌ها متهم بود به این که با هر سیاستی سازگاری دارد و اگر در دولت اصلاحات شب‌های برره را با آن لحن انتقاد آمیز می‌سازد، این قابلیت را دارد که در دولت فعلی برنامه‌ای کم‌خطر داشته باشد. او سال‌ها تحت فشار برخی از مخاطبانش بود و همین حالا هم معتقدند اساساً این که او می‌خواهد کارهایش در تلویزیون پخش نشود، منطقی نیست چون او مالک آثارش نیست و این تهیه‌کننده اثر است که می‌تواند در باره سر نوشت کار تعیین تکلیف کند، مثلاً در باره شجریان که اقدام مشابهی داشت، ماجرا فرقی می‌کرد و مالک آثارش بود و می‌توانست خواستار عدم پخش آنها از صدا و سیما شود و واکنش پر حاشیه دیگر به حامد بهداد اختصاص داشت که کمی ادبیاتش متفاوت و تا حدی حیرت‌انگیز بود، او وزیر ارشاد را خطاب قرار داد و چهارشنبه بود که خبر دستگیری‌اش آمد. خبری که ساعتی بعد توسط خودش تکذیب شد. بهداد کلا حیات هنری متفاوتی دارد و از همان روزهای اولی که مشهور شد، اصلاً شاخصه



شده بسیار ساده و سلیس است. به ادبیات امروز ما نزدیک دارد و مترجم تلاشی برای شیطنت نکرده است. نمی‌دانم اصل متن به چه نحوی است و زبان انگلیسی آن آیا در پی بازی با انگارهای ادبی ادبیات انگلیسی بوده است یا خیر؛ اما مترجم متنی که پذیر برای خواننده ایرانی و شاید کارگردانی که بخواند آن را اگر کاندرا هم کرده است. انبوهی از اطلاعات و داده‌هایی درباره‌ی زیمین یا ترجمه نقدهایی بر این اثر، کمک شایانی است در جهت رسیدن به یک دراماتورژی آگاهانه‌تر. با این حال ترجمه در شیخ طبعی در پارهای از اوقات کم می‌آورد که شاید مستلزم عدول مترجم از اصل ماجرا باشد، چیزی که مترجم از آن دوری می‌جوید و بی‌شک اگر روزی متن روی صحنه جان بگیرد، کارگردان تخطی‌هایش را خواهد کرد.

اسطوره‌ای که در آن گروه همسرایان اسطوره را همراهی می‌کند تا روایت تراژیک او بر صحنه شکل گیرد. در این شکل از اجرا، نظام طبقاتی و فاصله میان اشرافت با انسان عادی نیز ترسیم می‌شود؛ همانطور که اووید برای تکلیف سزار از مردم عادی «دگر دیسی» را می‌نویسد. در چنین ساختاری همسرایان نقاب بر چهره چیزی جز توده‌ای همراه با خدای زمینی خویش نیستند؛ اما زیمین با بازی با کارگیری چنین ساختاری، آن را واسازی می‌کند. همسرایان مدام تغییر چهره می‌دهند و به شخصیت‌های مختلف بدل می‌شوند. آنان نیز دچار «دگر گونگی» می‌شوند. در دستورالعمل نمایش آمده است که چگونه می‌توان با تعداد مشخصی بازیگر، تعداد متعددی شخصیت را روی صحنه بازنمایی کرد به نحوی که هر بازیگر در یک اجرا می‌تواند چند شخصیت را بازآفرینی کند.

همه اینها تلاشی است برای معرفی نمایشنامه‌ای شیرین که می‌تواند مدل‌های ایرانی خودش را نیز رقم زند. ترجمه خانم مؤیدی از این متن گویا بر این است که زبان فارسی قابلیت خوبی برای چنین رویکردی در ادبیات نمایشی دارد. البته باید گفت پیش از ترجمه زیمین نویسندگانی چون علی شمس در نمایشنامه «داستان میان‌رودان» یا «احتمالات» با این رویه اجراهای موفقی نیز داشته‌اند. در نوشتار علی شمس آنچه جذابیت بالایی پیدا می‌کند منتهای بازنمایی تقاطعی از اسطوره، دگر دیسی در زبانی است که برای ما زبان گذشتگان و شعر او ادبای مابه حساب می‌آید. در متن زیمین حداقل در نگارش فارسی چنین چیزی رخ نمی‌دهد. متن ترجمه

تقلیل دهد. به عبارتی او به دست به ایجاز می‌زند که هدفش صرفاً اشاره به یک وضعیت باشد. چیزی که در سنت‌های ادبی باستانی به کرات دیده می‌شود. آنچه تفاوت میان یک متن باستانی با یک رمان مدرن را رقم می‌زند: کاستن توصیفات و راجع سریع به اصل مطلب.

اما زیمین نویسنده سنت‌گرایی نیست. او از سنت به نفع اسلوب خویش بهره می‌گیرد. او قصه بازنمایی اسطوره‌های یونانی با رومی را ندارد. هدف او همانند نام اثرش نوعی دگر دیسی در بازنمایی اسطوره است. دیگر خبر از آن وجه تراژیک یا حماسی اسطوره نیست. در جهانی که اسطوره معنای خودش را از دست می‌دهد و شمایلش به سرگرمی تقلیل می‌یابد، زیمین از اسطوره‌های کهن غربی تصویری کمیک می‌آفریند. رگ‌های طنز در هر روایت بار تراژیک شخصیت‌ها را می‌کاهد تا حتی با نوعی آشنایی نیز روبه‌رو شویم؛ حتی در بخش‌هایی که وجه عاشقانه و ملودراماتیک‌تری رخ می‌دهد. پس با اثری مفرح و به‌رومی شویم که در آن اسطوره‌ها کارکرد تاریخی خود را تا حدودی از دست می‌دهند. تنها بارقه‌ای از آن وجه اخلاقی روایت باقی می‌ماند در نکوش حرص و آز و دروغ. با این حال، برای جامعه دور افتاده از اسطوره‌های باستانی - با فرض اینکه اسطوره‌های غربی رد و نشانی در فرهنگ آمریکایی دارند - بازخوانی برخی نام‌ها و پدیده‌ها می‌تواند جرقه‌ای کوچک برای درک چیستی این اسطوره‌ها باشد. اما این همه ماجرا نیست. برای زیمین فراتر از اسطوره خود تفاوت محل اهمیت است. ساختار نمایشی که او بر می‌گزیند خود تلنگری به اسطوره تئاتر است.

نمایی

نگاهی به نمایشنامه «دگر گونگی»

بازی با اسطوره، بازنمایی بشر

متون از سوی برخی دانشگاهیان طرفدار نظریه اجرا به چالش کشیده شده است، زیمین جاپای خود را بر مبنای متن محکم کرده است. برای مثال نمایشنامه «دگر دیسی» یا «کتابی از منتهی کهن با بارقه‌های قوی در قوام ادبیات غرب است و زیمین با انتخاب چنین متنی، نگرشی نوبه‌متن کهن ارائه می‌دهد.

دگر دیسی‌ها (Metamorphoses)، اثر اووید روایتی شاعرانه در توصیف تاریخ جهان، از زمان خلقت هستی تا زمان سزار است. کتاب در پانزده فصل مبانی اسطوره‌ای و تاریخی روم باستان را تشریح می‌کند تا به نوعی نشان دهد چگونه حاکمیت خدا در دگر دیسی‌های تاریخی به دست سزار رسیده است. از همین رو، کتاب اووید مرجع محبوب برای شناخت اساطیر یونان به حساب می‌آید که البته با خوانش‌های رومی همگن شده است. در سوی دیگر زیمین با داشتن منبعی جذاب نمایشنامه‌ای نگاشته است که آزادی روایت‌ناپی به‌اومی دهد. او همچون دشمنان از سطور در سنت نظر به اجرا، به جنگ ساختار متناسب به او رفته است. نمایشنامه‌ای مبتنی بر اپیزودهای مجزا از هم که خط روایی منسجمی ندارد و شاید حتی آن را ضد روایت هم نامید؛ چرا که زیمین در بیشتر برهه‌ها تلاش می‌کند از روایت یک قصه ساده از اسطوره تخطی کند و آن را تا یک اشاره و ایماز هم



احسان زیور عالم

انتشارت روزبهان چندی است نمایشنامه‌ای با عنوان «دگر گونگی» به قلم مریم زیمین و ترجمه در ساموئیلی منتشر کرده است. نمایشنامه‌ای که در آخرین فهرست رده‌بندی برادوی در میان ۲۵ اجرای برتر از لحاظ طراحی صحنه بوده و رکورد تعداد اجرای آن به مدت هشت ماه متوالی بوده است. مریم زیمین کارگردان تئاتر و نمایشنامه نویسنده آمریکایی و عضو گروه تئاتر لوکینگ گلس (Lookingglass) و استاد مطالعات اجرایی در دانشگاه نورث وسترن است. البته خانم زیمین برخلاف نگرش جهانی نسبت به دانشگاهیان که اساساً زندگی‌شان وقف تئوری است و چندان در وجه عملی نمی‌درخشند، شخصیت درخشانی در حوزه عملی تئاتر است. برای مثال او در سال ۲۰۰۲ جایزه تونی بهترین کارگردانی برای اقتباس از «دگر گونگی» اووید را دریافت کرد تا برنده یکی از مهم‌ترین جوایز تئاتری جهان شده باشد. اما همین جایزه‌نشان می‌دهد خانم زیمین کجای جهان تئاتر ایستاده است. در جهانی که